

تحلیل تجربی تورم

و قاعده سیاستگذاری پولی در ایران

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	پیشگفتار
	فصل اول: مرور کلی
۳	۱-۱- مقدمه
۶	۲-۱- مروری بر مباحث اساسی سیاستگذاری پولی
	فصل دوم: روند تحولات برخی از متغیرهای کلان اقتصادی
۱۳	۱-۲- بخش واقعی
۱۷	۲-۲- بخش خارجی
۱۹	۳-۲- پول و قیمت‌ها
۲۴	۴-۲- مالیه و بودجه
	فصل سوم: کارنامه تورم
۲۹	۱-۳- وضعیت تورم در ایران و جهان
۳۰	۲-۳- مشخصات آماری تورم در ایران
	فصل چهارم: پایداری تورم
۳۵	۱-۴- مفهوم پایداری
۳۵	۲-۴- معیار اندازه‌گیری پایداری تورم
۳۶	۳-۴- دلایل پایداری تورم
۳۷	۴-۴- عدم اعتبار کامل بانک مرکزی
۳۹	۵-۴- بررسی پایداری تورم و دلایل آن در ایران
	فصل پنجم: تحولات قیمت دارایی‌ها و تورم
۴۵	۱-۵- مبانی نظری ارتباط میان تورم و قیمت داراییها
۴۷	۲-۵- بررسی سهم نوسانات قیمت داراییها در تغییرات تورم
	فصل ششم: امکان‌سنجی سازگاری میان اهداف رشد اقتصادی، تورم و نقدینگی
۵۷	۱-۶- تورم، رشد اقتصادی و سیاستهای پولی
۵۹	۲-۶- توزیع رشد نقدینگی، تورم و رشد اقتصادی: یک بررسی تاریخی
	فصل هفتم: پیش‌بینی تورم، رشد اقتصادی و نقدینگی
۶۷	۱-۷- ساختار مالی دولت، سیاست‌های پولی و عملکرد اقتصادی
۶۸	۲-۷- مبانی پیش‌بینی تورم، رشد اقتصادی و نقدینگی
۷۰	۳-۷- برآورد مدل و تحلیل نتایج پیش‌بینی الگو
۷۰	۱-۳-۷- دولت اثر پذیر (سناریوی پایه)
۷۱	۲-۳-۷- دولت اثرگذار (سناریوی سیاستی)
	فصل هشتم: آثار سیاست‌های پولی انقباضی بر تورم و رشد اقتصادی
۷۷	۱-۸- مفهوم نسبت از دست رفته
۷۸	۲-۸- آثار سیاست‌های پولی بر تولید و تورم
۸۵	۳-۸- محاسبه نسبت از دست‌رفته
	فصل نهم: طراحی و برآورد قاعده سیاستگذاری پولی
۹۱	۱-۹- سازوکار سیاستگذاری پولی
۹۳	۲-۹- طراحی قاعده پولی
۹۷	۳-۹- برآورد قاعده پولی در ایران (روش پارامتری)
۱۰۰	۴-۹- طراحی قاعده هدفگذاری پولی براساس اهداف تورم و رشد اقتصادی (روش غیرپارامتری)
۱۰۷	فصل دهم: جمع‌بندی و توصیه‌های سیاستی
	فهرست منابع و مآخذ
	واژه نامه
	ضمائم
۱۱۹	۱- روش تحلیل مولفه‌های اصلی
۱۲۱	۲- روش تصریح بردار خودرگرسیون ساختاری
۱۲۴	۳- تصریح الگوی پیش‌بینی تورم، رشد اقتصادی و نقدینگی

پیشگفتار

تحولات اخیر در نظام بانکداری مرکزی ناظر بر هدایت متمرکز سیاستهای پولی، موجب همگرایی و وحدت رویه اغلب کشورها گردیده و نتایج موفق کارکرد سیاستهای پولی نوین بسیاری از کشورها را در جهت تجدید ساختار سیاستگذاری پولی ترغیب نموده است. بخش مهمی از تحولات صورت گرفته ناشی از هدایت قاعده‌مند سیاستهای پولی، با تاکید بر حفظ استقلال بانک مرکزی در استفاده از ابزارهای پولی می‌باشد.

تعیین قاعده رفتاری بانکهای مرکزی به‌عنوان متولیان سیاستهای پولی و دولتها به‌عنوان متولیان سیاستهای مالی به منظور حل و فصل قاعده‌مند و شفاف تزاخم بین این دو سیاست، در عملکرد اقتصادی و اعتبار سیاستگذاران نزد عموم نقش اساسی ایفا می‌نماید. بی‌گمان دستیابی به سطح قابل قبولی از اعتبار سیاستگذاران در هر یک از حوزه‌های سیاستگذاری اقتصادی مستلزم پیروی از سازوکار تعهد با حفظ اختیار در استفاده فعال از ابزارهای سیاستی است.

هدف مشترک دولت و بانک مرکزی افزایش سطح رفاه اجتماعی است و این مهم با هدفگذاری بر تورم و رشد اقتصادی محقق خواهد شد. ایجاد سازگاری میان این اهداف و تصریح ابزارهای سیاستی لازم، کارآمد و در عین حال قابل درک توسط عاملان اقتصادی مستلزم درک متقابل میان سیاستگذاران اقتصادی و نیز ساختار نهادی نوین بانک مرکزی و سایر نهادهای تصمیم‌گیرنده می‌باشد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مسئول تنظیم و اجرای سیاستهای پولی و اعتباری کشور، با علم به تحولات صورت گرفته در عرصه سیاستگذاری پولی و نیز با تاکید بر هدف ایجاد و حفظ ثبات اقتصاد کلان، مطالعاتی را حول محور تورم و سیاستگذاری پولی طی سالهای اخیر آغاز نموده و بنا دارد این فرایند را با جدیت تداوم بخشد.

به‌دنبال انتشار کتاب "تورم، مطالعات نظری و تجربی در زمینه اقتصاد ایران"^۱، به منظور کاربردی نمودن مطالعات در این خصوص، از سال ۱۳۸۳ مجموعه‌ای مطالعاتی با هدف تهیه و انتشار منظم "گزارش تورم" در اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی بانک مرکزی آغاز گردید. ترویج دانش نوین ادبیات پولی و کارکرد آن در اقتصاد ایران و نیز معطوف نمودن توجه سیاستگذاران اقتصادی به لزوم کنترل تورم و در نهایت ارتقای اعتبار و مقبولیت سیاستهای پولی در ایران از مهمترین اهداف این مطالعه بوده است.

نخستین محصول مطالعه مزبور در قالب سه گزارش شامل گزارش تورم، خلاصه مدیریتی و پیوست تکنیکی در مردادماه ۱۳۸۴ برای استحضار مقامات عالی رتبه کشور ارسال گردید. کتاب حاضر تلفیقی از سه گزارش مذکور در چارچوب و ساختار جدیدی می‌باشد که توسط دایره طراحی الگوهای اقتصادی اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه شده است.

از تلاش نگارندگان کتاب آقایان سید محمود علوی، کوروش معدلت، محمدرضا قلی‌بگلو و خانم آزاده رحیمی که تحت نظر آقای دکتر فرهاد نیلی در قالب یک کار تیمی با دقت، دلسوزی، وسواس علمی و پشتکار قابل تحسین به تهیه این مجموعه همت گماردند، تشکر و قدردانی می‌گردد. همچنین از زحمات خانم‌ها ندا کیلانی و نوشین خردمند که وظیفه تایپ و صفحه‌آرایی کتاب را برعهده داشته‌اند نیز تشکر می‌گردد.

همچنین بر خود لازم می‌دارد از زحمات بی دریغ جناب آقای محمدهادی مهدویان که در زمان تهیه کتاب مدیرکل اقتصادی بانک مرکزی بوده و جناب آقای محمدرضا حاجیان مدیر محترم اداره بررسیها و سیاستهای اقتصادی صمیمانه تشکر و قدردانی نماید. از ایزد الهی آرزوی سلامتی و توفیق ایشان را خواستارم.

در نهایت از جناب آقای دکتر شیبانی رئیس کل محترم بانک مرکزی که بدون عنایت ویژه و حمایت ایشان تهیه و انتشار این کتاب و نیز مطالعات پژوهشی دیگر در معاونت اقتصادی میسر نمی‌بود صمیمانه تشکر می‌نماید.

از خوانندگان محترم تقاضا می‌نماید از ارایه نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده در جهت بهبود مطالب تهیه شده درج نمایند. خاطر نشان می‌سازد که مجموعه حاضر صرفاً یک پژوهش علمی - کاربردی توسط محققین بانک مرکزی بوده و لزوماً منعکس کننده نظرات و دیدگاههای رسمی این سازمان نمی‌باشد.

اکبر کمیجانی

معاون اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تیرماه ۱۳۸۵

۱-۱- مقدمه

تهیه گزارش تورم^۱ که تقریباً در دهه اخیر مبنای سیاستگذاری پولی در اغلب کشورها گردیده است، حاوی سه مرحله از فرایند سیاستگذاری یعنی پیش‌بینی، هدفگذاری و تحلیل سیاستی می‌باشد. در اغلب گزارشهای تهیه شده در کشورها، تغییرات در ابزارهای پولی و نهایتاً چگونگی کنترل و نظارت بر اجرای آن نیز لحاظ می‌گردد.

شکل و محتوای گزارش تورم بستگی به نظام و یا رژیم پولی حاکم بر اقتصاد کشورها دارد. در کشورهایی که نرخ بهره به عنوان ابزار اصلی سیاستگذاری پولی در اختیار بانک مرکزی قرار دارد، عکس‌العمل نرخ بهره نسبت به انحراف تورم و رشد اقتصادی از اهداف تعیین شده برای آنها ملاک سیاستگذاری قرار می‌گیرد. در حالی که در سیاستهای پولی مبتنی بر رژیم هدفگذاری کل‌های پولی، تعیین اهداف سازگار میان رشد نقدینگی، تورم و رشد اقتصادی شاکله اصلی یک گزارش تورم می‌باشد.

چگونگی تأمین رشد نقدینگی و مدیریت پولی در طول دوره سیاستگذاری مقوله دیگری است که حوزه‌های عملیاتی پولی و بانکی نظیر نظام‌های پرداخت، نظارت بانکی و کنترل پولی را شامل می‌شود. مقولات دیگری که به نحوه اداره^۲ بانک مرکزی برمی‌گردد نظیر میزان شفافیت و استقلال بانک مرکزی مشخصه‌های کلیدی نظام سیاستگذاری پولی می‌باشند که می‌بایست در گزارشهای استاندارد تورم مورد توجه قرار گیرند.

با ذکر اهمیت تنظیم گزارش تورم، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به عنوان متولی سیاستهای پولی، تنظیم چنین گزارشی را از سال ۱۳۸۲ در دستور کار خود قرار داد. کتاب حاضر نتیجه مطالعات صورت گرفته در این خصوص می‌باشد. گرچه در ایران از مدتها قبل گزارشهای متنوع و پراکنده‌ای در این زمینه تهیه می‌گردید لیکن کتاب حاضر به لحاظ وجود تفاوت‌های ماهوی با گزارشهای قبلی، بدیع و غیرتکراری است.

۱ - Inflation Report

۲ - Governance

در این کتاب پس از مرور کلی بر ادبیات نظری مربوطه، در فصل دوم تصویری از وضعیت اقتصاد کلان کشور طی سالهای اخیر ارائه شده و تلاش می‌گردد تا فضای عمومی اقتصاد کشور برای خواننده شفاف‌تر گردد. دوره مورد بررسی سالهای برنامه دوم و سوم توسعه اقتصادی را پوشش می‌دهد. در این بررسی، تأکید بر سالهای برنامه سوم بوده و سالهای مربوط به برنامه دوم به عنوان مبنای مقایسه تغییرات خواهد بود. در این فصل نحوه حرکت متغیرهای کلان همچون رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری، مصرف، صادرات و واردات، نقدینگی و تورم مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

در فصل سوم، کارنامه تورم نقد می‌شود. این فصل شامل زیربخشهایی چون وضعیت تورم در ایران و جهان و مشخصات آماری تورم بوده و هدف اصلی آن نشان دادن این مهم است که علی‌رغم موفقیت اکثر کشورهای جهان در کاهش تورم و روند نزولی این متغیر، تورم در ایران وضعیت چندان مناسبی را تجربه نمی‌نماید. مشخصات آماری تورم کشور این نکته را تأیید می‌نمایند.

در فصل چهارم پایداری تورم بحث می‌شود. در این فصل ضمن ارائه مفاهیم مهمی همچون پایداری تورم و معیار اندازه‌گیری و دلایل ایجاد آن و نیز بیان مفهوم عدم اعتبار سیاست‌های پولی بانک مرکزی، این امر مورد توجه قرار می‌گیرد که کاهش تورم به لحاظ وجود میزان پایداری، در کوتاه‌مدت دارای هزینه‌هایی بوده و سیاستگذار اقتصادی (به‌ویژه سیاستگذار پولی) را با مشکلاتی مواجه خواهد نمود. در واقع به هر میزان که پایداری تورم بیشتر باشد امکان کنترل و کاهش آن از طریق سیاستهای اقتصادی کمتر بوده و زمان بیشتری برای بهبود و اصلاح مورد نیاز است. وضعیت پایداری تورم به همراه دلایل به‌وجود آورنده آن در ایران در ادامه این فصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

فصل پنجم به تحولات قیمت داراییها و ارتباط آن با تورم اختصاص دارد. این بخش به این نکته اشاره دارد که اولین نشانه‌های بروز بحران در هر اقتصادی در بخش مالی^۱ آن ظاهر شده و چنانچه از سرایت شوکهای برون‌زا به بازارهای داخلی و بخش واقعی از طریق ابزارهای موثر ممانعت نشود، نگاههای اقتصادی دچار بحران عمیقی خواهند شد که خروج از آن جز با پرداخت هزینه‌های سنگین تعدیل، امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین برای بررسی شرایط تورمی اقتصاد، توجه به نحوه تغییرات قیمت دارایی‌ها از اهم ملزومات است. به عبارت دیگر قیمت دارایی‌ها به عنوان یک شاخص راهنما از وضعیت اقتصادی، در پیش‌بینی تورم باید مورد توجه سیاستگذاران قرار گیرد. این فصل دارای بخش‌های مهمی همچون بررسی سهم نوسانات قیمت دارایی‌ها در تغییرات تورم بوده و تحولات قیمتی دارایی‌هایی نظیر ارز، سهام، سکه طلا، زمین و هزینه‌ساختمان در مناطق شهری را شامل می‌گردد.

ششمین فصل از کتاب به بررسی امکان‌سنجی سازگاری میان اهداف رشد اقتصادی، تورم و نقدینگی می‌پردازد. بحث اساسی این فصل بر این نکته متمرکز است که بی‌شک افزایش نقدینگی می‌تواند در کوتاه‌مدت تورم و رشد اقتصادی را افزایش دهد، اما توجه به ساختار هر اقتصادی ترکیبی مشخص از میزان رشد، تورم و نقدینگی را معرفی می‌نماید. در حیطه سیاستگذاری پولی ایجاد سازگاری میان اهداف تورم و رشد اقتصادی با رشد پولی هدفمند از موضوعاتی است که همواره در میان سیاستگذاران پولی مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. فصل ششم با توجه به این امر، نحوه توزیع تاریخی رشد پول، تورم و رشد اقتصادی طی دوره ۸۳-۱۳۶۸ و احتمال سازگاری بین اهداف اقتصادی و عملکرد سیاستهای پولی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

پیش‌بینی تورم، رشد اقتصادی و نقدینگی برای سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴، موضوع فصل هفتم کتاب است. از نکات مهم در این بخش توجه خاص به ساختار مالی دولت است. در واقع تحلیلها و پیش‌بینی‌های مربوط به تورم، رشد اقتصادی و نقدینگی تحت دو سناریوی متفاوت دولت اثرپذیر و دولت اثرگذار قابل تبیین و ارائه می‌باشد. در حالت اول (دولت اثرپذیر) وضع مالی دولت قابل انعطاف بوده و مولفه‌های اصلی رفتار مالی دولت نظیر درآمدهای غیرنفتی، مخارج جاری و عمرانی با فروض خاصی که برای تعدیل نرخ ارز و درآمدهای نفتی مطرح می‌گردد، از تقابل میان متغیرهای کلان اقتصاد بدست خواهد آمد. اما در حالتی که بر اساس سند بودجه ارقام مالی دولت داده شده فرض شوند، پیش‌بینی مقادیر نقدینگی، رشد اقتصادی و تورم فرآیند دیگری را دنبال می‌نماید.

یکی دیگر از مباحث بسیار مهم در مقوله تورم، محاسبه نسبت از دست‌رفته^۱ می‌باشد. این مبحث فصل هشتم کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. در یک تعریف کلی، کاهش یا زیان تولیدی ناشی از یک سیاست پولی ضدتورمی نسبت از دست‌رفته نامیده می‌شود. در واقع سیاستگذار پولی باید در بسته سیاستی طراحی شده خویش برای کاهش تورم، این نکته مهم را لحاظ نماید که کاهش نرخ تورم از سطح پایداری می‌تواند با هزینه‌هایی به شکل بی‌ثباتی در تولید همراه باشد. این فصل مواردی همچون مفهوم نسبت از دست‌رفته، آثار سیاستهای پولی بر تولید و تورم و محاسبه نسبت از دست‌رفته را شامل می‌گردد.

فصل نهم، به طراحی قاعده سیاستگذاری پولی اختصاص دارد. دو بحث و یا مشکل عمده فراروی سیاستگذار پولی قرار دارد. اول، مسئله ناسازگاری زمانی^۲ میان هدف تورم و رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت و دوم، کنترل ناقص و وقفه‌های اثرگذاری سیاستهای پولی بر تورم می‌باشد. انتظار می‌رود

۱ - Sacrifice Ratio

۲ - Time inconsistency

در فرآیند سیاستگذاری پولی، با حل این دو مشکل از طریق تعیین هدف صریح برای تورم و هدف ضمنی برای رشد اقتصادی و نیز پیروی از فرآیند تصحیح خطای سیاستگذار پولی در چارچوب قواعد پولی، آزادانه و مستقل ابزارهای خود را تعیین و تعدیل نماید. در ادامه این فصل چارچوب نظری سیاستگذاری پولی تحت قاعده عنوان شده و سعی می‌گردد قاعده پولی هدفگذاری رشد نقدینگی براساس انحراف عملکرد یا پیش‌بینی متغیرها از اهداف تعیین شده برای تورم و رشد اقتصادی در چارچوب فرایند تصحیح خطا طراحی گردد.

فصل دهم به برآورد قاعده پولی طراحی شده به دو روش پارامتری و غیرپارامتری برای تعیین اهداف سازگار برای رشد نقدینگی، تورم و رشد اقتصادی در سال ۱۳۸۴ اختصاص دارد. در این فصل به کمک قاعده پولی طراحی شده در فصل نهم و با توجه به اهداف ارائه شده برای رشد اقتصادی و تورم، مقادیر هدف سازگار برای رشد نقدینگی برآورد می‌شود. جمع‌بندی مباحث و نتیجه‌گیری نیز در فصل یازدهم آمده است.

۱-۲- مروری بر مباحث مهم سیاستگذاری پولی

ثبات قیمت‌ها تقریباً در کلیه کشورها به عنوان هدف اصلی سیاستگذاری پولی در نظر گرفته شده است. دستیابی به این مهم مستلزم ایجاد سازوکاری دقیق و هدفمند از فرایند سیاستگذاری پولی است که در شکل استاندارد خود پیش‌بینی، هدفگذاری و نهایتاً تحلیل سیاستی را شامل می‌گردد. ثبات قیمت‌ها شرط لازم برای دستیابی به سطوح پایدار رشد اقتصادی تلقی می‌گردد. دستیابی به تورم پایین و با ثبات مستلزم توانایی استفاده از ابزارهای موثر و کارا در امر سیاستگذاری پولی است. اجرای صحیح سیاستگذاری پولی و بکارگیری هدفمند ابزارهای پولی نیز مستلزم شناسایی عوامل اصلی اثرگذار بر تورم می‌باشد.

دستیابی به هدف فوق، نسخه‌ای از قبل پیچیده شده برای بانک مرکزی نیست و نیازمند هماهنگی و تعامل جدی و منطقی میان نهاد مزبور با دیگر نهادهای سیاستگذار می‌باشد. هماهنگی سیاستهای پولی، مالی و ارزی به عنوان سیاستهای مدیریت تقاضای کل سازگار با نیازهای واقعی اقتصاد، مستلزم درکی صحیح از میزان تراحم نهادها و نحوه مشارکت آنها در دستیابی به اهداف مشترک می‌باشد.

ثبات قیمت‌ها با تورم‌های تک رقمی و در سطوح پایین و با ثبات عجین می‌باشد. از این رو درک صحیح مفهوم تورم و عوامل اثرگذار بر آن از ضروریات دستیابی به ثبات قیمت‌ها محسوب می‌گردد. تورم متغیری است که از برآیند نیروهای موجود در سمت عرضه و تقاضای کل اقتصاد حاصل می‌شود. به طور کلی مازاد تقاضای کل نسبت به عرضه موجب افزایش سطح عمومی قیمت‌ها

می‌گردد اما به افزایش سطح قیمت‌ها تنها در صورتی که مداوم و خود افزا بوده و دارای حافظه طولانی مدت باشد تورم اطلاق می‌گردد.

اقتصاددانان معتقدند هزینه‌هایی که تورم بر جامعه تحمیل می‌کند می‌تواند بسیار جدی‌تر از هزینه‌های ناشی از کند شدن رشد اقتصادی باشد. تورم بالا و بی ثبات موجب اختلال در نظام تخصیص قیمت‌ها و برهم خوردن توزیع درآمد در جامعه می‌گردد. بی ثباتی تورم نه تنها موجب خدشه‌دار شدن اعتبار سیاستگذاران کلان اقتصادی به ویژه بانک مرکزی می‌شود، بلکه تداوم آن می‌تواند موارد حاد بی ثباتی سیاسی کشور را نیز موجب گردد.

تورم به شرایط پایدار در بروز عدم تعادل‌های اقتصاد کلان مربوط می‌گردد. عدم تعادل‌های پایدار دارای اجزای ساختاری می‌باشند که در بلندمدت شکل می‌گیرند. از بعد عرضه، ساختار هزینه‌ای بنگاه‌ها، پایین بودن بهره‌وری کل اقتصاد، درجه وابستگی به واردات و ساختار نیروی کار، عوامل موثر در پایداری تورم می‌باشند. از بعد تقاضا نیز تورم می‌تواند از فشارهای تقاضای ایجاد شده از ناحیه بخش‌های مالی (پولی، دولت و خارجی) ناشی گردد. از آنجا که عدم تعادل‌های خارجی و نیز وضعیت مالی دولت در نهایت به شکل رشد پول یا نقدینگی تجلی می‌نمایند، تورم حاصل به تورم پولی موسوم می‌گردد. وجود عدم تعادل‌های ساختاری در بخش دولت و نیز وضعیت ناپایدار و شدیداً وابسته ترازپرداخت‌های خارجی به نوسانات درآمد نفت موجب گردیده که بخش عمده‌ای از رشد نقدینگی در کشور شکل ساختاری به خود بگیرد.

مجموعه عوامل فوق‌الذکر این واقعیت را منعکس می‌نمایند که اولاً تورم پدیده‌ای نامطلوب و نامیمون است که می‌تواند در بلندمدت صدمات جدی بر پیکره اقتصاد وارد نماید؛ ثانیاً تورم معلول بسیاری از عوامل ساختاری در اقتصاد می‌باشد که شناسایی و مبارزه با آن را دشوار می‌سازد. به علاوه از آنجا که تورم و رشد اقتصادی در کوتاه مدت همسو حرکت می‌کنند، مبارزه با تورم ممکن است در کوتاه مدت زیان‌هایی به شکل کند شدن فرایند رشد اقتصادی در پی داشته باشد؛ لیکن در میان مدت و بلندمدت کنترل تورم موجب بهبود رشد اقتصادی و افزایش اشتغال خواهد شد. از این روی سیاستگذار پولی می‌بایست درک صحیحی از آثار سیاست‌های ضد تورمی داشته باشد و بتواند با پیش‌بینی‌های دقیقی از تورم و رشد اقتصادی، به تعدیل ابزارهای پولی خود بپردازد.

پیش‌بینی تورم و رشد اقتصادی در فرایند سیاستگذاری پولی از حساسیت زیادی برخوردار است. گرچه پیش‌بینی‌های کمی لازمه شروع یک فرایند سیاستگذاری است لیکن معیارهای قضاوتی درخصوص آثار برخی عوامل نادیده گرفته شده بر تورم نظیر عوامل محیطی، سیاسی و تحولات جهانی

نیز در این راستا مطرح می‌باشند. براین اساس، بالا بردن دقت پیش‌بینی‌های کمی و تلفیق آن با معیارهای قضاوتی از ضروریات سیاستگذاری پولی می‌باشد. پیش‌بینی‌ها این امکان را می‌دهند تا بتوان میزان انحراف عملکرد مورد انتظار متغیرهای هدف از مقادیر از قبل تعیین شده برای آنها را مورد شناسایی قرار داد.

هدفگذاری تورم و رشد اقتصادی نیز در این راستا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تعیین اهداف، انتخابی سیاستی بوده و معمولاً بر اولویتهای نظام سیاسی مبتنی می‌باشد. اینکه چه نهادی اهداف را تعیین می‌کند، همچنان در محافل اقتصادی محل چالش می‌باشد. اما به طور یقین ضرورت هماهنگی سیاستهای اقتصادی می‌طلبد که اهداف براساس تفاهم و تعامل کلیه نهادهای سیاستگذار تعیین گردند. چنانچه این اهداف براساس یک برنامه میان مدت (پنج ساله) تعیین گردند، الزامات سیاستی خاص آن را نیز به دنبال خواهد داشت. اما چنانچه دولت براساس نیازهای مالی سالانه، ارقام بودجه را به نحوی تنظیم نماید که اجرای آن عملکرد سازمانهای دیگر را از اهداف کمی در نظر گرفته شده در برنامه های میان مدت منحرف نماید لازم است چنین تبعاتی در تنظیم مجدد اهداف کمی برای نهادهای سیاستگذار به ویژه بانک مرکزی لحاظ گردند. تحت چنین شرایطی نهادهای دیگر می‌بایست عملاً وضعیت مالی دولت را به عنوان قید در برنامه ریزی خود لحاظ نمایند.

از بعد بین‌المللی تمرکز بر هدف کنترل تورم و دستیابی به ثبات قیمتی از اواسط دهه ۹۰ میلادی شکل جدیدی از مکانیزم پاسخ دهی و شفافیت را برای سیستمهای پولی ایجاد نموده است. انتخاب هدف ثبات قیمتی و کنترل تورم در سطوح پایین و یک رقمی از اواسط دهه ۹۰، تمایل و همگرایی جهانی برای مبارزه با این پدیده نامطلوب را نشان می‌دهد. تجربه کشورهای توسعه یافته نشان می‌دهد که کاهش پایدار تورم صرفاً با ابزارهای طرف تقاضا مقدور نیست و هیچ کشوری نمی‌تواند تورم را به سطوح پائین راهبری نماید، مگر اینکه بطور موثر و کارا از ابزارهای در دسترس جهت بهبود بهره‌وری کل عوامل تولید نیز بهره‌مند گردد.

نحوه تعیین ابزارهای پولی و یا به طور کلی ابزارهای سیاستی نیز در یک فرایند سیاستگذاری پولی از موضوعاتی است که در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته است. گرچه در محافل اقتصادی، استقلال بانک مرکزی در تعیین اهداف، کمتر مورد توافق می‌باشد لیکن استقلال عملیاتی در تعیین ابزارهای پولی پس از تعیین اهداف، تقریباً مورد توافق عامه اقتصاددانان و بانکداران مرکزی بوده و از این حیث مدیریت صحیح پولی نیازمند استقلال و اقتدار مقام پولی در استفاده و تنظیم ابزارهای در دسترس می‌باشد.

میزان پایبندی به اهداف نیازمند تصریح یک سازوکار تعهد و پاسخ دهی است. در غیاب سازوکار فوق، اعتبار و مقبولیت سیاستگذار مورد خدشه قرار گرفته و عدم پاسخگویی به انحرافات حاصل نسبت به اهداف، از دید عموم نوعی عدم کارایی نظام سیاستگذاری تلقی می‌گردد. روی برگرداندن عاملان اقتصادی از تصمیمات بلندمدت و عکس‌العمل مغایر با آنچه سیاستگذاران انتظار دارند نهایتاً رشد اقتصادی را تحدید و بی‌ثباتی تورم را دامن خواهد زد. براین اساس ایجاد حداقل شفافیت در سیاستگذاری می‌تواند فرایند نیل به اهداف کلان اقتصادی را تسهیل نماید. سیاستگذار پولی بر این اساس می‌بایست نسبت به پایبندی به هدف تورم و میزان پاسخگویی نسبت به اهداف با دولت و مجلس به توافق لازم دست یابد و بطور شفاف علل انحراف از هدف تورم را به اطلاع عموم برساند. گرچه این مکانیزم برای کشورهایی که دارای رژیم هدفگذاری تورم نمی‌باشند تعهدی الزام آور نیست لیکن بانکهای مرکزی اغلب کشورها برای حفظ اعتبار سیاستهای پولی خود نیازمند همراهی عموم می‌باشند.

رژیم حاکم بر سیاستهای پولی کشور در ادوار گذشته مبتنی بر هدفگذاری پولی بوده است. به دلیل وجود محدودیتها و قیود سیاستی و عدم تامین پیش‌نیازهای لازم، اجرای کامل نظام پولی مبتنی بر هدفگذاری تورم در ایران در حال حاضر مهیا نمی‌باشد. براین اساس اهداف پولی نظیر رشد نقدینگی و یا حجم پول براساس اهداف تورم، رشد اقتصادی و با لحاظ کردن قیود مالی دولت تعیین خواهد شد. در این کتاب نوعی قاعده پولی برای بانک مرکزی ایران طراحی گردید تا برای اولین مرتبه به مرحله آزمون و تصحیح خطا قرار گیرد. هدف از استخراج این قاعده رفتاری ایجاد ساز و کاری برای تعدیل اهداف قابل دسترس و معتبر پولی است تا ضمن حفظ اعتبار مقام پولی از حیث دسترسی به اهداف رشد نقدینگی، اهداف تورم و رشد اقتصادی نیز تامین گردند.

براین اساس کتاب حاضر، پژوهشی است که ضمن تاکید بر موارد فوق، در راستای بهبود و ارتقای اعتبار و مقبولیت سیاستگذار پولی جهت دستیابی به اهداف کلان طراحی و تنظیم گردیده است.